

نظر می‌رسد هدف اصلی نویسنده، توجه به متن و نوشته‌های پیشگویی آن بوده تا نقاشی‌هایش. در جای جای متن، واژه‌های قدیمی فارسی متعددی که نام ابزار، صورنجومی، گیاهان و... است، دیده می‌شود، به عبارت دیگر تنوع و تکثر واژه‌های موجود، بر تنوع زیاد سوزنه‌های نقاشی‌های کتاب افزوده است.

تنگ لوشا معجونی است از احکام نجومی، طالع‌بینی، فال و خرافه که با هنر نقاشی زمانه‌ی خود عجین شده تا تعبیرات و تفسیرات متن را با زبان تصویر، گویاتر نماید.»

تنگ لوشا معجونی است از احکام نجومی، طالع‌بینی، فال و خرافه که با هنر نقاشی زمانه‌ی خود عجین شده تا تعبیرات و تفسیرات متن را با زبان تصویر، گویاتر کند



تنگ لوشا و نقاشی‌های آن

در حال حاضر اصل نقاشی‌های این اثر در دست نیست، اما آقای همایونفرخ تصاویر این نقاشی‌ها را به صورت چاپ عکسی در این نسخه‌ی مورد نظر گردآوری کرده است. در کتاب حاضر کلیه نقاشی‌های تنگ لوشا به جز ۴ نقاشی، همگی سیاه و سفید بوده و بر ما معلوم نیست که اصل نقاشی‌ها رنگی بوده‌اند یا خیر. یکی از نکات جالب توجه در مورد این نقاشی‌ها، وجود ۴۱۸ فیگور در هیئت‌های گوناگون از زنان و مردان جوان، خردسالان، سالخورده‌گان و فرشتگان به حالت‌های ایستاده، نشسته، در حال حرکت، در حال عبادت، در حال زاری، در حال تضرع، گفت‌وگو، شکار و... است. نمایش ۳۵۵ نمونه از انواع حیوانات، پرندگان، آبریان، خزندگان و ۵۵ ستاره، ماه، موجودات بالدار و اسطوره‌ای در بسیاری از نقاشی‌ها به چشم می‌خورند. همچنین نمود برخی از آلات موسیقی چون چنگ، شیپور، نی، تار و تنبور و ابزار آلات درودگری همانند اره، میخ، چوب، چکش، پتک، اسکنه، مته و نیز داس، انواع قیچی و ابزار رزم مانند شمشیر و تیر و کمان، و زیورآلاتی چون گوشواره، گردنبند، خلخال و سنگ‌های قیمتی زمررد و یاقوت دیده می‌شود. در این نقاشی‌ها با بسیاری از درجات پیشگویی، با انواع درختان، درختچه‌ها و گل‌ها روبه‌رو می‌شویم. در بررسی نقاشی‌های فوق بارها به تصاویری از ماه، خورشید، ستارگان و نیز مریخ، مشتری، عطارد، زحل، شهاب سنگ‌ها و اجرام آسمانی دیگری برمی‌خوریم که گواه بر جهت‌گیری کتاب در باب طالع‌بینی و مباحث نجومی است.

به طور کلی نقاشی‌های تنگ لوشا را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد:

– نقاشی‌هایی که در آنها تنوع المان‌های تصویری دیده می‌شود، یعنی عناصر و اجزاء متعددی در یک اثر آمده است. در این گروه از نقاشی‌ها، به نظر می‌رسد هدف نقاش، بازنمایی، بیان و ارائه‌ی یک روایت

و به عبارتی بیان موضوع به شکل روایت‌گونه (Narrativism) است. در این شیوه، نقاشی از جنبه‌ی روایی یا گزارشی (Narrative) برخوردار بوده و وی تلاش دارد به شرح ما وقع بپردازد. جنبه‌ی روایی را در نقاشی‌های بسیاری از درجات برج‌ها می‌توان یافت. به عنوان مثال در نقاشی مربوط به «درجه‌ی چهاردهم برج جدی» در سمت راست نقاشی، پیرمردی عصا به دست دیده می‌شود، که به طرف مرکز تصویر حرکت می‌کند یعنی قطعه‌ای که نویسنده از آن با عنوان گرمابه یاد کرده است. در طرف مقابل، دو فیگور ایستاده یکی در پشت دیگری، که فیگور عقب‌تر، مشغول توزین کالایی به کمک یک ترازو است. کمی بالاتر از سر پیر مرد، پرنده یا حیوانی که هویتش معلوم نیست، نقش شده و القاء حرکت، در کلیه‌ی المان‌های اثر دیده می‌شود. تلاش نقاش برای نشان دادن حرکت پیرمرد، با چگونگی قرار گرفتن پاها نسبت به هم، به نحوی که پای راست، جلوتر از پای چپ و کمی به سمت بالا، نشان داده شده است. همچنین دو فیگور سمت چپ، پاها از هم فاصله دارند، دست چپ فیگور عقب‌تر و به طرف بالا به سمت ترازو و در حال وزن کردن کالا نشان داده شده و موجودی که کمی بالاتر از سر پیرمرد دیده می‌شود، به نوعی حرکت را القا می‌نماید. حرکت در این اثر بیانگر نوع رخدادی است که در حال انجام است.

در بررسی نقاشی «درجه‌ی دهم برج جدی» فیگور مرد جوان صورت‌گردی نشان داده شده که به طرف درخت انجیر خم و سعی می‌کند به ماری که بر درخت حلقه زده، حمله کند، و در پشت مرد نیز سگی خوابیده و در سمت چپ درخت، تنبوری در اندازه‌ای بسیار بزرگ نسبت به اجزاء دیگر نقاشی دیده می‌شود.

تنگ لوشا

مینو اسعدی



تینکلوس (قفطی، ص ۱۴۷)، تیکلوس (ابن ندیم، ص ۳۲۹)،
طینقروس (ابن ندیم، همانجا؛ قفطی، ص ۳۰۴) و حتی ذنکاوشا
(ابن ابی أصیبعه، ج ۲، ص ۳۰) ذکر شده است.

آرای بسیاری از فرهنگ‌نویسان فارسی زبان، چون جمال‌الدین
شیرازی در فرهنگ جهانگیری و عبدالرشید تتوی در فرهنگ رشیدی،
درباره‌ی این نامواژه بر مبنای ریشه‌شناسی عامیانه‌ی آن بوده است که
تنگ لوشا را ترکیبی از «تنگ» به معنای «کتاب» و «لوشا» را نام حکیم
موهومی اهل روم یا بابل دانسته‌اند.

در این کتاب سیصد و شصت متن پیشگویی طالع، بر طبق سیصد و
شصت روز سال آمده است و در ذیل هر متن، طرحی مربوط به آن مشاهده
می‌گردد. یکی از نکات مهم این اثر تعدد و تنوع نقاشی‌های آن است. به

«تنگ لوشا کتابی است که اصل آن را به دوره ساسانی نسبت داده‌اند.
برخی معتقدند که نخست این کتاب به زبان پارسی پهلوی تألیف شده و پس
از تسلط اعراب به ایران به عربی برگردانده شده و نام صُوْر دَرَج را بر خود
گرفته است. سپس در قرن چهارم هجری قمری از عربی به فارسی ترجمه
شده است.»^۱

نسخه‌ای که در اینجا معرفی و بررسی خواهد شد، در سال ۱۳۵۷
هجری شمسی چاپ و با مقدمه‌ای از آقای رکن‌الدین همایونفرخ همراه
شده است. در دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی در بخش مقاله‌ی آقای فرید
قاسم‌لو صفحه ۳۲۸ چنین آمده است:

«تنگ لوشا، صورت تحریف شده‌ی نام توکروس، ستاره‌شناس بابلی
سده‌ی اول میلادی است. این نام به صورت‌های گوناگونی چون

طور کلی در نقاشی‌های این کتاب تقریباً کمتر اثری یافت می‌شود که نقاش در آن به رعایت اصولی چون ترکیب‌بندی و تناسبات و اندازه‌ها پایبند باشد.

یکی از موارد شایسته بررسی نقاشی «درجه‌ی پانزدهم برج دلو» است. عمده‌ترین بخش این اثر مربوط به اجتماع سگانی است که بخش اعظم کادر را گرفته‌اند. چهارسگ هریک با رنگی خاص که سگ خاکی رنگ استخوانی در دهان دارد و تقریباً در مرکز نقاشی دیده

تنگ لوشا شهرت عمده‌ی خود

را به خاطر مضامین

نجومی موجود در متن کتاب

داراست و نقاشی‌ها در درجه

دوم اهمیت هستند

می‌شود و در هر حال حرکت به سمت چپ و کمی رو به پایین کادر است. کمی بالاتر از آن، سگی سرخ رنگ بر روی دو دست نشسته و رو به روی آن سگ سفید بزرگی با دهانی باز به سگ سرخ می‌نگرد. در گوشه‌ی راست پایین، سگی سیاه با حالت ویژه و نادر دیده می‌شود. نقاش، با شگردی خاص و کم‌نظیر و دور از انتظار، با چرخش ۱۸۰ درجه‌ای گردن سگ، سر را به سمت راست تابلو نمایانده است. چند کارد دسته چوبی به طور افقی که نسبت به هم موازی هستند، در گوشه‌ی سمت راست، بالای نقاشی دیده می‌شوند. و در همین ردیف چند استخوان جغد، به تصویر کشیده شده است.

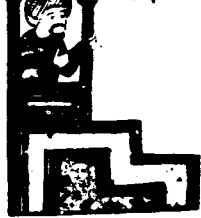
از نکات حائز اهمیت در این نقاشی، موفقیت نقاش در نمایش حالات متنوع بدن حیوانات و نیز وضعیت قرار گرفتن آنها نسبت به هم و نسبت به کل اثر، در کادر نقاشی است. به گونه‌ای که بین این چهار حیوان ارتباط تنگاتنگی برقرار شده و چشم بیننده به راحتی در سراسر نقاشی حرکت می‌کند و نگاه خود را از سگی به سگ دیگر معطوف می‌دارد.

علاوه بر این، روش ترسیم خطوط منحنی نرم و سیال که بدن حیوانات را نشان داده، به نمایاندن این حالت کمک زیادی می‌کند. همچنین خطوط نرم و سیالی که به وسیله‌ی «قلمگیری» دور طرح‌ها آمده، حائز اهمیت است. این خطوط در برخی قسمت‌ها نازک‌تر و در برخی دیگر ضخیم‌تر و با تأکید بیشتر، ترسیم شده است. همچنین برای القاء سایه روشن و نشان دادن بهتر حجم بدن سگ‌ها از شیوه «پرداز» و واقع‌گرایانه استفاده شده است.

دوره نقاشی‌های تنگ لوشا

همان‌طور که در مقدمه‌آغازین مقاله اشاره گردید، این کتاب شهرت عمده‌ی خود را به خاطر مضامین نجومی موجود در متن کتاب داراست و نقاشی‌ها در درجه دوم اهمیت هستند. علت اینکه آقای همایونفرخ در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته است، آن را به کتاب ارژنگ مانی تشبیه کرده است. شاید به این علت بوده است که هر دو این کتاب‌ها، دارای

درجه پنجم از برج جوزا
برای دیدن در شب یک مغرب به مغربین نشسته هر که برین
در چه زاید در شکوفای و پشتم و پوفا باشد و در بار



درجه ششم از برج جوزا
برای دیدن در شب صورت سگی از نس و او طلسم بد و صیفا
به هر برین در شب سگ شمشیرنا حفا و درشت کار بنه



۲۲

مضامین و صور نجومی هستند، و اگر از دیدگاه نقاشی با هم مقایسه شوند، مقایسه‌ی شایسته‌ای نخواهد بود. زیرا ارژنگ مانی دارای نقاشی‌هایی است که از نظر تکنیکی بسیار غنی و حاوی مضامین زیبا و لطیف است و چنین تصاویری در تنگ لوشا حاضر یافت نمی‌شود. و نیز بر ما روشن نیست که آیا همان شخصی که راقم متن بوده، وظیفه‌ی به تصویر کشیدن برگ‌های تنگ لوشا را داشته یا شخص یا اشخاص دیگری نقاش یا نقاشان این تصاویر بوده‌اند. همچنین روند دگرگونی‌های نقاشی‌های تنگ لوشا مطرح است، یعنی اینکه آیا واقعاً صورت و شکل و سیاق نقاشی‌ها از ابتدا این چنین بوده که در حال حاضر می‌بینیم، یا نقاش یا نقاشانی در هر دوره با دخل و تصرفات شخصی خود و نیز برگرفته از دوره‌ای که در آن می‌زیستند و یا به سفارش پادشاه آن عصر، عناصری را از آن کاسته‌اند یا چیزهایی به آن افزوده‌اند. در زمینه‌ی شناسایی دوره‌ی نقاشی‌های این کتاب شاید بهترین روش، دقت و تمرکز بر نحوه‌ی تصویر کردن فیگورها و حالات مختلف آنها، مدل پوشاک و البسه‌ی افراد و تزیینات روی آن، نحوه‌ی پردازکاری‌ها برای نشان دادن حجم بدن، روش قلم‌گیری برای نمایش بهتر بدن و چین‌های لباس، شکل کلاه، تاج، دستار (عمامه) و نیز سربند و سبک صورت‌پردازی‌ها باشد. لازم به ذکر است که در ذیل مقاله، شماری از طرح‌های تنگ لوشا که استخراج و طبقه‌بندی موضوعی شده، ارائه شده است.

المان‌هایی که در بالا به آنها اشاره گردید همچون حالات فیگورهای نشست و ایستاده و...، شکل عمامه‌ها و سربندهای مردان و زنان تنگ

حیوانات، فیگورها، درختان و... که همگی در قالب تنها یک اثر کنار هم گرد آمده‌اند، مواجه می‌شود. به عبارتی فضایی از عناصر نامأنوس تشکیل شده که از نظر بصری هیچ رابطه‌ای بین آنها وجود ندارد. نقاشی‌های اخیر به فضاهایی که هنرمندان سوررئالیست در آثار خود خلق می‌کنند، بی‌شبهت نیست.

از دیگر نکاتی که نقاش یا نقاشان تنگ لوشا به آن کمتر توجه نموده‌اند، عدم رعایت اندازه‌های واقعی موضوعات، نسبت به یکدیگر است. یعنی در یک نقاشی، اشیا و سوژه‌ها از نظر بزرگی و کوچکی، نسبت به اندازه‌ی واقعی آن، نامتناسب هستند

اصول کار نقاشی‌های تنگ لوشا

با دقت در تک تک نقاشی‌ها و نیز در نگاهی کلی به آثار نقاشی‌های کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: در بیشتر نقاشی‌های تنگ لوشا

ترکیب‌بندی (composition) رعایت نشده و به نظر می‌رسد نقاش یا نقاشان کتاب یا هیچ‌گونه

دانشی درباره‌ی کاربست ترکیب‌بندی نداشته‌اند، یا تلاشی در جهت بهبود و ارائه یک ترکیب صحیح در اثر نکرده و یا تصور کرده‌اند با این شیوه و بدون رعایت ترکیب‌بندی، بهتر می‌توانند منظور خود یا به عبارتی برداشت خود را از متن، نشان دهند. عدم رعایت ترکیب‌بندی، منجر به مسئله‌ی ردیف کردن عناصر و موضوعات در کنار هم نیز می‌گردد. نقاش هر آنچه را در کارش برای بیان منظور خود یا نویسنده‌ی متن، لازم می‌دانسته، بدون رعایت هیچ‌گونه قاعده و اصولی، کنار هم قرار داده و کمتر به ساختار و زیبایی اثر و یا خوشایند نمودن آن از دید ناظر کتاب توجه داشته است. به عنوان مثال در نقاشی «درجه‌ی هفتم برج عقرب» اشیایی چون کلاه، پرتاووس، دیگ، کفگیر، آبدان کبوتران و فیچی در کنار هم دیده می‌شوند. نمونه‌هایی از چنین نقاشی‌هایی را در «درجه دوازدهم برج عقرب» و «درجه پنجم برج جدی» ملاحظه می‌کنیم. سبک نقاشی‌های این کتاب بی‌شبهت به سبک نقاشی‌های کودکان در حدود سنین ۳ تا ۱۰ سال نیست که کودک در نقاشی‌اش هر آنچه را دوست دارد نقاشی کند و در هر جای کادر کاغذ خود، جای دهد.

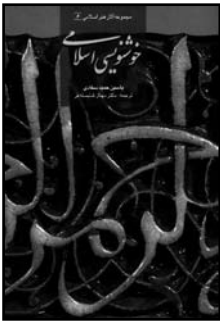
ب - از دیگر نکاتی که نقاش یا نقاشان تنگ لوشا به آن کمتر توجه نموده‌اند، عدم رعایت اندازه‌های واقعی موضوعات، نسبت به یکدیگر است. یعنی در یک نقاشی، اشیا و سوژه‌ها از نظر بزرگی و کوچکی، نسبت به اندازه‌ی واقعی آن، نامتناسب هستند. به عنوان مثال در نقاشی «درجه دهم برج جدی» که قبلاً به آن اشاره شد، تنبور نسبت به درخت انجیر و سگی که پشت مرد قرار دارد، نسبت به مرد، بسیار بزرگ ارائه شده‌اند. به



در نقاشی‌های این گروه تنها یک المان دیده می‌شود. در این نقاشی‌ها، جنبه‌ی روایی موضوع، کمرنگ و عین عنصر بصری ارائه شده است. مثلاً در نقاشی «درجه‌ی ششم برج جوزا» فقط یک سگ دیده می‌شود. وجود این المان، شاید حاکی از نماد خاصی باشد و با توجه به متن مربوط به این درجه مصداق آن معلوم می‌شود. توضیح اینکه در مضمون نجومی متن، سگ تصویر شده، به صورت فلکی کلب اصغر شباهت دارد. می‌توان گفت گروه دوم نقاشی‌های تنگ لوشا مربوط به طرح‌هایی است که هر یک در پس خود، دیدگاهی نمادگرایانه را ارائه می‌دهند. از دیگر نمونه‌های تک تک المانی (Mono Element) نقاشی مربوط به «درجه دوم برج جوزا» است که تنها یک درج^۲ مزین به اسلیمی را نشان می‌دهد. در متن مربوط به درجه‌ی فوق آمده است که این صندوق حاوی جواهری سرخ رنگ و از خزانه‌ی پادشاهی ربوده شده است.

از تک‌المان‌ها، نقاشی‌های دیگری نیز در این کتاب یافت می‌شود.

- نقاشی‌هایی هستند که نه جنبه‌ی روایی دارند و نه وجه نمادین آنها غالب است؛ نقاشی‌هایی که از عناصر و اجزاء بسیار زیادی که هیچ‌گونه ارتباط منطقی نیز با هم ندارند، تشکیل شده‌اند. در این نقاشی‌ها بیننده با انواع کثیری از اشیا،



خوشنویسی اسلامی

یاسین حمید سفادی

ترجمه مهناز شایسته فر

انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی

در اثر حاضر معرفی خوشنویسی اسلامی، ریشه‌های خط عربی، تحولات اولیه‌ی خطوط، اصلاح خط عربی، تحول خط مستدیر و قوسی، خطوط مهم مطابق عرف و سنت قدیم، تحولات بعدی خوشنویسی، معرفی تصاویر یا لوح‌ها و شناسایی سبک‌ها، روش شیوه‌ی نگارش خط مستدیر مورد توجه مؤلف قرار گرفته است.

سفادی در کتاب خوشنویسی اسلامی، به ابتکارات و علایم خوشنویسی پرداخته و در پایان نیز آدرس و منابع تصویر و کتابنامه را ذکر می‌کند. کتاب شامل صد و چهل و چهار صفحه و دارای صد و شصت و سه تصویر است.

نویسنده گوشه‌های پیچیده و جوانب مکتوم هنر ارجمند و زیبای خط و خطاطی را عنوان کرده و رابطه‌ی خوشنویسی را با روند گسترش فرهنگ و ادبیات اسلامی مورد بررسی قرار داده است که البته اهمیت این کتاب که هنرمندان نیز پرداخته شده در همین رابطه است.

باشگفتی مشاهده می‌کنیم که علی‌رغم دگرگونی و رشته تحولات خط در طول تاریخ باز هم امروز در زندگی روزمره از انواع سیاق‌های موجود در طول تاریخ خط، استفاده می‌شود. سرزمین پهناور ایران نیز که در دوران باستان مهد تمدن‌های گوناگون و نقطه‌ی تلاقی فرهنگ‌های مختلف و در نتیجه جایگاه زبان‌های مختلف منسوب به شاخه‌های مستعد و با خطوط متنوع بوده است، از این قاعده مستثنی نیست. لیک پژوهش‌های ما در این زمینه بسیار مختصر است و کفایت سطح معاصر این علم را نمی‌دهد. از این رو جای پژوهشی که حاوی تاریخچه خطوط اسلامی باشد همواره خالی است. اکثر مطالب این کتاب تاریخچه‌ی خوشنویسی، اصول و قواعد و ابزارکار است. بیشتر نمونه‌های به کار رفته در این کتاب از اساتید خوشنویسی ایران بوده و به صورت مستقل نگارش یافته است. ترجمه‌ی این کتاب انگیزه‌هایی چون - جلوگیری از فراموشی و از میان رفتن زحمات هنرمندان پیشین، در دسترس نبودن کتب و تحقیقات برای بهره‌جویی هنرجویان و علاقمندان و آگاه شدن اساتید و هنرجویان هنرهای سنتی از وجود چنین منابعی بوده است. در این کتاب سیر تاریخی تکامل و تحول خوشنویسی اسلامی در طول تاریخ، گردآوری و بررسی شده و به شرح احوال خوشنویسان به صورت اجمالی پرداخته می‌شود تا خواننده با زمان حیات و نکات مهم زندگی آنان آشنا گردد. برای بهره‌جویی بیشتر خوانندگان و آشنایی بیشتر آنها با معنی واژگان و اصلاحاتی که در مطالعه‌ی خوشنویسی اسلامی وجود دارد علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و لغتنامه‌ی دهخدا مراجعه کنند.

این کتاب به شیوه‌های گوناگون خوشنویسی و سیر تحول و پیشرفت خط عربی از کوفی تا نخستین نقاشی - خط نوین پرداخته است.

لوشا و چهره‌پردازی ویژه تنگ‌لوشا سبک این نقاشی‌ها را به سبک نقاشی دوره صفوی نزدیک می‌نماید. هرچند در تنگ‌لوشا از شاهکارهای هنری کم‌نظیر و ارزنده‌ی نقاشی دوره صفوی خبری نیست، اما تأثیر سبک نقاشی‌های صفوی در این نقاشی‌ها به خوبی قابل پیگیری است. شاید بتوان گفت نقاشی‌های تنگ‌لوشا نقاش یا نقاشان درجه دو یا پایین‌تر دوره صفوی به تصویر کشیده‌اند و بدین ترتیب نقاشی‌های فوق از کیفیت پایین‌تری نسبت به نقاشی‌های برجسته دوره‌ی صفوی برخوردار است.

از دیگر خصوصیات نقاشی‌های این کتاب موارد زیر قابل تأمل هستند:

- کمپوزیسیون نامتقارن: تقارن در تصاویر ملاحظه نمی‌گردد.

- تکرار عناصر: در بسیاری از برگ‌های نقاشی شده‌ی کتاب، چند جزء عین هم، کنار یکدیگر تکرار شده‌اند، به عنوان نمونه ۳ بالش، ۲ لباس، ۲ پرند، ۳ میخ و ...

- اجزاء و تکه‌هایی از بدن حیوانات و پرندگان: به عنوان نمونه سر گاو، پرتاووس، استخوان جغد.

- نمایش فضای بیرونی نسبت به فضای اندرونی در اولویت است، که این خود در غالب تلاش نقاش برای نمایش زندگی جمعی و زندگی مردم کوچه و بازار است.

- همزیستی انسان و حیوان در کنار یکدیگر

- نمایش رابطه‌ی مرید و مرادی یا استاد و شاگردی

- پرستش و عبادت در برابر نیروهای برتر

- وجود چرخ چاه و دلو آبکشی و چمنزاری در کنار آن.

- احتمالاً نمادی از وجود آب و جریان زندگی است.

- بیان و نشان دادن پیش‌پافتاده‌ترین و

سخت‌ترین کارها در برخی از نقاشی‌های کتاب، به طور مثال مضامینی چون نمایش پاک کردن ماهی،

روغن‌گیری از درخت بلسان، بینی پاک کردن، حمام رفتن و ... ملاحظه می‌گردد.

- به خاطر وجود واژه‌های کهن فارسی در متن

پیشگویی‌ها، حضور عناصری خاص که به طور کلی در نقاشی‌های دیگر کمتر به آنها پرداخته شده، در نقاشی‌های تنگ‌لوشا دیده می‌شود. مثلاً در متن یکی از

پیشگویی‌ها از واژه‌ی خلخال استفاده شده و در نقاشی مربوط به آن هم، تصویر خلخال ملاحظه می‌شود. یا در متن دیگری واژه‌ی جُلْجُل، جمع جُلْجُل و به معنی زنگوله آمده است و در نقاشی آن نیز، تعدادی زنگوله دیده می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱- تنگ‌لوشا، ص ۳

۲- صندوق